



چالش اسلام اموی، فاجعه کربلا

و نقش امام حسین علی‌الیه در پاسداری از اسلام ناب محمدی

حجت‌الاسلام والمسلمین محمدامین پورامینی

گرفت، اعضای خاندان بنی‌امیه نقش برجسته‌ای ایفا کردند. ابوسفیان، سرکرده این خاندان، همراه با گروهی از نزدیکانش و با حمایت پسرش یزیدبن ابی سفیان (برادر معاویه) دراین اتفاق حضور فعال داشتند. همچنین زنان این خاندان مانند جُبَیریه (دختر ابوسفیان) و هند (مادر معاویه) نیز در این دوره حضور داشتند.

• **والی‌گری یزیدبن ابوسفیان بر دمشق**

یزیدبن ابی‌سفیان به‌عنوان والی دمشق منصوب شد؛ اما مدت والی‌گری وی کوتاه بود و به‌دلیل شیوع طاعون درگذشت. پس از وی، مسئولیت حکومت دمشق به برادرش معاویه واگذار شد.

• **معاویه؛ بنیانگذار حکومت اموی**

معاویه به‌عنوان بنیانگذار حکومت اموی شناخته می‌شود که دوره‌ای از ظلم و ستم در تاریخ اسلام به‌شمار می‌رود. پس از مرگ یزیدبن ابوسفیان، در سال ۱۸ هجری معاویه با حمایت عمر و سپس عثمان، به والی‌گری دمشق و مناطق اطراف آن منصوب شد و این حکومت را تثبیت کرد. در دوران خلافت عمر و عثمان بنیان قدرت معاویه مستحکم شد و عثمان شخصاً حقوق ماهیانه هزار دینار برای معاویه تعیین نمود.

• **گسترش قلمروی حکومت اموی در شام**

معاویه حکومتی گسترده بر بخش‌های وسیعی از منطقه شام، از جمله دمشق، حوران، حمص، قنسرین، فلسطین، اردن، انطاکیه و مناطق اطراف داشت. پس از تثبیت این سرزمین‌ها، عثمان در این قلمرو حمایت مالی قابل توجهی ارائه نمود.

• **نکته مالی؛ حقوق معاویه طبق منابع تاریخی**

براساس روایت فتح‌الشام (جلد ۱، صفحه ۱۰۰)، معاویه ماهانه هزار دینار حقوق دریافت می‌کرد که هر دینار معادل یک مثقال طلا – حدود هجده گرم – بوده است؛ این مقدار نشان‌دهنده جایگاه اقتدار بالای معاویه در حاکمیت آن زمان است.

• **تثبیت حاکمیت معاویه و تغییر چهره بنی‌امیه**

حاکمیت شام در دست معاویه قرار گرفت و بنی‌امیه با تثبیت حکومت خود، به‌شکلی سازمان‌یافته قدرت را حفظ کردند. این خانواده که در دوره رسول اکرم ﷺ شمشیر کشیده و شکست خوردند، پس از فتح مکه ظاهراً مسلمان شدند؛ اما این اسلام آوردن تنها یک ظاهر بود و باورهای باطنی‌شان همچنان به‌همان کفر سابق بازمی‌گشت؛ همان‌طور که پیامبر اکرم ﷺ فرمودند: «اذهبا أنتم الطلقاء»، بروید، شما را آزاد کردم.

• **شواهد تاریخی کفر وفاق سران بنی‌امیه**

برای اثبات این مدعا، تاریخ‌شاهدی مهم است. در دوران خلافت عثمان، ابوسفیان در جلسه‌ای خصوصی با نزدیکان خود سخن می‌گوید. در این جلسه که غریبه‌ای حضور نداشت، ابوسفیان که کور شده بود، به بنی‌امیه می‌گوید: این حکومت را همچون توپ میان خود پاس دهید و قدرت را حفظ کنید. «تَلَقَّوْهُا تَلَقُّفَ الْكَرَّةِ». سپس وی قسم یاد می‌کند: «وَأَلَدُنِي يَحْلِفُ بِهٖ ابُوسُفْيَانٍ؛ اما قسمش نه به خدا که به بت‌هاست و می‌گوید: «ما مِن عَذَابٍ وَلَا حِسَابٍ وَلَا جَنَّةٍ وَلَا نَارٍ وَلَا بَعْثٍ وَلَا قِيَامَةٍ؛ یعنی قسم به آنی که ابوسفیان به او قسم می‌خورد! نه عذاب، نه حساب‌رسی قیامت، نه بهشت و جهنم، نه نبوت و قیامتی در کار است.

این روایت که نشان‌دهنده انکار اصول بنیادی دین توسط بنی‌امیه است، توسط ابن ابی‌الحدید در شرح نهج البلاغه (جلد ۹، صفحه ۵۳) نقل شده است و منابع دیگری نیز آن را تأیید کرده‌اند؛ بنابراین، پدر معاویه به‌صراحت این انکارها را مطرح کرده و ضمن آن، به بنی‌امیه گوشزد می‌کند که این باورها را محکم نگه دارند تا قدرت در دست‌شان باقی بماند.

بعد هم خود معاویه به مغیره می‌گوید: تا نام محمد ﷺ دفن نگردد، آرامش نخواهم داشت وتمسک یزید به اشعار ابن‌زبجری معروف است که کفر صریح وی را می‌رساند: لعبت هاشم بالملک فلا... خبر جاء ولا وحی نزل.

• **قدرت بنی‌امیه در شام و اعتراض مردم به عثمان**

بنی‌امیه حاکم شامات بودند و با سوءاستفاده‌هایی که در حکومت گسترده اسلامی رخ داد، بخشی از مسلمانان نامه‌ای به عثمان

گفتار

موضوع اصلی این متن به بررسی تقابل تاریخی بین دو نوع اسلام می‌پردازد: اسلام اصیل محمدی و اسلام تحریف‌شده اموی. پس از رحلت پیامبر ﷺ، خلافت از مسیر اصلی آن‌گونه که قرار بود به امامت الهی بازگردد، منحرف و به یک قدرت سیاسی صرف تبدیل شد. بنی‌امیه که پیش از اسلام نیز مخالفان جدی پیامبرﷺ بودند، با ظاهری اسلامی اما بی‌اعتقاد به اصول حقیقی دین بر قدرت مسلط شدند و راه را برای ظلم و نفاق در امت اسلام فراهم کردند. این انحراف به فاجعه کربلا و شهادت امام حسین علیّه انجامید که قیام ایشان مانع از نفوذ کامل اسلام اموی شد.

متن پیش رو حاصل گفتاری از حجت‌الاسلام والمسلمین محمدامین پورامینی، پژوهشگر و استاد حوزه علمیه قم و مؤلف کتاب «الایام الشامیه من عمر النهضة الحسینیة» با عنوان «رویارویی اسلام اموی با اسلام محمّدی ﷺ» که در انجمن علمی قرآن و حدیث ارائه نموده است.

• حزب سیاسی بنی‌امیه در تقابل با قرآن و اهل‌بیت علیهم‌السلام

موضوع: «حزب سیاسی بنی‌امیه در تقابل با قرآن و اهل بیت علیهم‌السلام»
مسأله‌ای مهم و در عین حال به‌روز است. متأسفانه در دنیای اسلام، نگرشی افراطی رواج یافته که همچنان یکی از چالش‌های جدی امروز نیز به‌شمار می‌آید. این بحث، درباره تقابل بین دو نوع اسلام است: اسلام اصیل، حقیقی و به‌تعبیر امام خمینی‏، اسلام ناب محمدی – که همان اسلام علوی است– و نقطه مقابل آن، اسلام اموی.

پس از رحلت و شهادت پیامبر اکرم ﷺ، جریان پیشوایی امت و خلافت از مسیر اصلی خود منحرف شد و به مسأله خلافت صرفاً با نگاه سیاسی و به دنبال آن سلطنت تبدیل گردید. در این شرایط، همان کسانی که پیشتر در جنگ‌های بدر، احد و احزاب علیه پیامبر ﷺ و مسلمانان نقش مؤثری داشتند و در توطئه‌چینی با منافقان و یهودیان دست داشتند، به‌تدریج قدرت را به دست گرفتند؛ اما این‌بار تحت عنوان اسلام و با ظاهری اسلامی، اهداف خود را دنبال کردند.



آنها با نفاق از اسلام سخن گفتند، به مظاهر دینی ظاهراً پای بند بودند، نماز جماعت و جمعه برگزار می‌کردند؛ حتی در روزهای غیرمعمول؛ اما درواقع اسلام را از درون تهی کرده و آن را تنها به‌صورت ظاهری حفظ کردند. سال‌ها و قرن‌ها این مسیر انحرافی در میان امت اسلام ادامه یافت. این تقابل را می‌توان به‌عنوان جنگ اسلام محمدی و اسلام اموی تعبیر کرد؛ جنگی که اسلام اموی با نام اسلام اصیل محمدی ترتیب داد.

نتیجه این انحراف، فاجعه کربلا بود؛ جایی که در جریان شهادت امام حسین علیّه، کسانی تکبیرگویان، حمله کرده و ایشان را به شهادت رساندند؛ همان‌گونه که شاعری گفته است: «يُكَيِّرُونَ بَانَ قَيْلَتٍ وَائِمًا قَتَلُوا بِكَ التَّكْبِيرَ وَالْتِهْلِيلَا»، یعنی آنها پس از کشته‌شدنت تکبیر گفتند؛ ولی در حقیقت آنان تکبیر و تهلیل را – با ظلم و جنایتی که کردند– به قتل رساندند.

پیشینه سیاسی و اجتماعی بنی‌امیه و جایگاه آنان در فتح شام

بنی‌امیه که جد آنها امیه‌بن عبدشمس نام دارد، به‌اشتباه به خاندان بنی مناف نسبت داده شده‌اند تا یک تیره واحد قلمداد شوند؛ اما نقل دیگری وجود دارد که بنی‌امیه درواقع «لصیق» به بنی‌هاشم بوده‌اند؛ یعنی جد آنها برده‌ای است که در این خاندان خدمت‌کار بوده و از نسل عبدمناف نیست؛ ولی بهر حال از همان ابتدا، جدایی و فاصله‌ای میان بنی‌امیه و بنی‌هاشم وجود داشته که ابتدا بر پایه حسادت بود و در دوره پس از ظهور اسلام، این اختلافات شکل سیاسی و قدرت‌طلبانه به خود گرفت.

• **ارتباط ویژه بنی‌امیه با منطقه شام**

شام که شامل سوریه، لبنان، اردن و فلسطین است، پیش از اسلام برای بنی‌امیه اهمیت اقتصادی داشت و آنان ارتباطات فراوان اقتصادی در این منطقه داشتند. در قضیه فتح شام به فرمان عمربن خطاب، بنی‌امیه نقش برجسته‌ای ایفا کردند. ابوسفیان، یزیدبن ابوسفیان و دیگر اعضای خانواده آنها، از جمله شخصیت‌های محوری در فتح و حاکمیت بر شام بودند.

• **نقش بنی‌امیه در فتح و حاکمیت شام**

در جریان فتح شام که به فرمان عمربن خطاب انجام

به‌ویژه در مناطقی مانند کوفه و بصره.

بر اساس این دستور، یاران و پیروان علی‌بن ابی‌طالب علیّه به‌طور گسترده تحت تعقیب و فشار قرار گرفتند و بسیاری به جرم دوست‌داری علی علیّه دستگیر و کشته شدند. در چنین وضعیتی، کسانی که دین نداشتند یا از علی علیّه پیروی نمی‌کردند، مورد تعرض قرار نمی‌گرفتند؛ اما شیعیان امنیت نداشتند و هدف اصلی سرکوب بودند.

• **فشار بر ابن‌عباس برای منع بیان مناقب اهل‌بیت علیهم‌السلام**

ابن‌عباس که از یاران نزدیک امیرالمؤمنین علی علیّه بوده و از او حبره‌الامه یاد می‌کنند، در مسجد به آموزش قرآن و تفسیر می‌پرداخت و در ضمن آیات مربوطه، تأویل و مصادیق آن یعنی اهل‌بیت علیهم‌السلام را بیان و مناقب علی علیّه را به مردم گوشزد می‌کرد. معاویه به او دستور می‌دهد که بیان مناقب علی و اهل‌بیت علیهم‌السلام را ممنوع کند و تأویل آیات مرتبط را بیان نکند؛ هرچند که قرآن‌خواند آزاد بود.

قرار بود مردم فقط قرآن را به‌صورت ظاهری بخوانند، بدون اینکه از پیام پنهان و تأویل آن – که شامل مناقب علی علیّه بود – آگاهی پیدا کنند. این محدودیت جهت جلوگیری از تقویت جایگاه امام علی و اهل‌بیتش علیهم‌السلام بود؛ چون اعلام مناقب ایشان به‌نفع حکومت اموی نبود.

ابن‌عباس در مسجد به مردم قرآن آموزش می‌داد. او تفسیر قرآن را نزد امیرالمؤمنین علی علیّه فرا گرفته بود. در تفسیرهای وی، بسیاری از آیات منطبق بر اهل‌بیت علیهم‌السلام بود که منجر به شرح مناقب امام علی و اهل‌بیت ایشان علیهم‌السلام می‌شد.

معاویه به ابن‌عباس دستور داد که مناقب امام علی و اهل‌بیت علیهم‌السلام را بیان ننماید و زبان خود را کنترل نماید. به ابن‌عباس گفت: هیچ کس حق ندارد مناقب و فضایل اهل‌بیت علی علیهم‌السلام را نقل کند.

ابن‌عباس می‌پرسد: نباید قرآن خوانده شود؟ معاویه پاسخ داد که قرآن را بخوانند؛ اما تفسیر و تأویل آن را نگویند؛ چراکه بیان مصادق‌آن که ذکر اهل‌بیت و مناقب علی علیهم‌السلام است، ممنوع است. ابن‌عباس پرسید: چگونه ممکن است، قرآن خوانده شود؛ ولی نهمند مقصود خدا چیست؟ معاویه پاسخ داد که همین کافی است؛ تنها قرآن را بخوانند.

ممنوعیت بیان تأویل قرآن که مناقب علی علیّه را آشکار می‌کرد، به‌دلیل مخالفت رژیم اموی با تقویت جایگاه اهل‌بیت علیهم‌السلام و امامت بود. معاویه نمی‌خواست مردم به عبرت و معرفتی برسند که مشروعیت حکومتش را به چالش بکشد.

• **ریشه‌ها و پیامدهای اسلام اموی؛ نقش امام حسین علیهم‌السلام**

درمقابله باانحراف

پایه‌گذاری نگرش افراطی و ریشه‌گرفته از کفر واقعی در شخصیت معاویه ظهور یافت و آثار آن به‌وضوح در دوره حکومت کوتاه فرزندش، یزیدبن معاویه دیده شد. در سه سال حکومت یزید، سال اول امام حسین علیّه به شهادت رسید (سال ۶۱ هجری)، سال بعد (سال ۶۲) قتل عام مردم مدینه رخ داد (واقعه حره) و در سال سوم (سال ۶۳) کعبه به دستور وی و در جریان قضیه عبدالله‌بن زبیر ویران شد. حکومت یزید بیش از سه سال دوام نیاورد؛ ولی همین دوران کوتاه، نمایان‌گر ریشه‌های اسلام اموی بود.

پس از بنی‌امیه، خاندان بنی‌مروان که از همان تیره‌اند، بر قدرت تسلط یافت و اسلام اموی به‌شکلی غیراصیل و تحریف‌شده به مردم تحمیل شد.

اینجا نقش امام حسین علیّه نمایان می‌شود؛ اگر قیام و شهادت امام حسین علیّه نبود، امروز اسلام موجود در جهان تنها اسلام اموی می‌بود. امام حسین علیّه با نثار جان خود، پیام آشکاری داد که این اسلام تحریف‌شده اموی، همان «کفر» و «نفاق» است و اسلام حقیقی، اسلام پیامبراکرم ﷺ و اهل‌بیت ایشان، به‌ویژه علی‌بن ابی‌طالب علیهم‌السلام است.

امروز نیز شاهد جریان‌هایی هستیم که با ظلم، جنایت و خشونت در مناطقی مانند سوریه و عراق، به‌نام اسلام برخورد می‌کنند؛ اینها ادامه همان اسلام بنی‌امیه‌اند که امام حسین علیّه علیه آن قیام کرد.